

زمینه های شکل گیری جنبش زنان در دوره صفویه و پیامدهای آن

هاجر تاجیک^۱

حسینعلی تاجیک اسماعیلی^۲

چکیده

زن به عنوان بخش مهمی از جامعه‌ی انسانی در معرض آسیب های مکرری قرار گرفته است. ریشه‌ی تاریخی این مهم، درون مایه ای از تبعیض دارد.

نوشتار حاضر با ارائه‌ی تعریفی از "جنبش زنان"، به مراحل پیدایش آن از دوره صفویه که زمینه های ارتباط با اروپا فراهم شد، نحوه‌ی ورود به اندیشه زنان ایرانی می پردازد. در ادامه با بازخوانی حقوق زنان مسلمان به روش های برون رفت زن از آبخور اسلام، و نیز ویژگی های جنبش حقیقی برای مقابله با پیامدهای وخیم الگوگیری از جنبش غربی زنان؛ با روش تحلیلی، توصیفی پرداخته است.

کلید واژگان: جنبش زنان، مراحل جنبش زنان، جنبش زنان ایرانی.

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان، شماره تماس: ۰۰۹۱۲۳۹۱۰۲۸۰، tajik_hajar@yahoo.com
^۲ عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان، شماره تماس: ۰۰۹۱۲۷۹۱۴۲۶۷، aesmaeli38@yahoo.com

۱- مقدمه :

گرچه دوران صفویه زمینه های ترویج و توسعه‌ی حکمت و فقه را در ایران ایجاد کرد اما می‌توان گفت، جنبش زنان ایرانی نیز از همین ایام که آغاز ارتباط پادشاهان با کشورهای غربی بود شکل گرفته است. جنبشی که با چالش‌های زنان نسبت به نابرابری- های قانونی - حقوقی میان زنان و مردان و سایر مسائل آنان در حوزه های گوناگون زندگی وجود داشت. این پژوهش سعی بر این دارد نشان دهد گرچه بین زنان ایران حرکت سازمان یافته‌ای با هدف بهبود وضعیت زندگی شکل گرفت، اما نتیجه این حرکت به نفع نابرابری بیشتر و تضييع حقوق این قشر مهم جامعه بوده است. تلاش برای کاهش نابرابری حقوقی زن و مرد و ارزیابی واقع گرایانه از ماهیت دو جنس از ویژگی‌های این حرکت سازمان یافته بود. یافته‌ها نشان می‌دهد مساله اولیه زنان ایران نابرابری حقوقی بین زنان و مردان است که ریشه در ارزش‌های فرهنگی و نگرش سوگیرانه و فرودستانه جامعه نسبت به زن دارد. اما در نهایت تحت تاثیر عوامل مختلف به جنبش زنان معاصر منجر شد (نجفی، ۱۳۹۱، ۹)

جنبش زنان را میتوان واکنش زن غربی مدرن، در برابر فرهنگ به جای مانده از عصر سنت اروپایی دانست. این جنبش را گاه به جنبش‌های سازمان یافته برای احقاق حقوق زنان و گاه به نظریه‌ای که به برابری زن و مرد از جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حقوقی معتقد است معنا کرده اند. (همان، ۱۳-۱۴) آنچه برای ما حائز اهمیت است بررسی تاریخچه این جریان و تاریخچه حقوق زن در جهان است؛ آیا واقعا

جنبش زنان باعث رسیدن زنان به حقوق خود شده و یا ارزش واقعی و ظریف وجودی زنان را هیچ دانسته و آن را لگد مال کرده است؟

نخستین بار واژه جنبش زنان در سال ۱۸۷۱، یعنی بعد از فروپاشی صفویه در فرهنگ لغات پزشکی برای مردانی که خصوصیت زنانه دارند به کار برده شد. سپس بعد از آنکه جنبش زنان در عرصه اجتماعی و فرهنگی و به عنوان یک سازمان به کار برده شد، در عرصه‌های مختلفی از مکاتب سیاسی و فلسفی بروز کرد. (همان)

خانم تانگ در کتاب خود با نام درآمدی جامع به نظریه‌های فمینیستی صراحتاً به این موضوع پرداخته‌اند و جنبش‌های زنان لیبرال، مارکسیستی، رادیکال، روان کاوانه، سوسیالیستی، اگزیتانسیالیستی و پسامدرن را به تفکیک مورد بررسی و مطالعه قرار دادند. (تانگ، ۱۳۸۷؛ ۱۴-۱۵) مبرهن است که قصد ما بررسی نظری این سازمان نیست لذا در جایی که لازم گردد به منظور روشن شدن بحث ناگزیر از بررسی نظری این اندیشه و سازمان هستیم؛ زیرا ایدئولوژی به صورتی اندام‌وار جزء هر نوع کلیت اجتماعی است، جوامع انسانی ایدئولوژی را به عنوان عنصر و فضایی ضروری برای تنفس و حیات تاریخی خود به وجود می‌آورند. (بودن، ۱۳۷۸؛ ۲۸)

در سالهای اخیر جنبش زنان با عنوان جدید آن، با درونمایه‌ی صفویه، با نام جنبش زنان اسلامی به ابعاد مختلف جنبش زنان راه یافت، جنبش زنان مسلمان ایرانی برآیند فعالیت دو گروه است:

گروه اول: افرادی هستند که توجه به اسلام را به عنوان یک سیاست راهبردی برای توسعه مفاهیم غرب، و مقابله با اصول‌گرایی در کشورهای اسلامی برگزیده‌اند. زیرا

در جوامع اسلامی فمینیسم با ادبیات عربیان خود مقبولیت نمی‌یابد و تنها راه مبارزه با آن به کار گرفتن ادبیات دینی است که درونمایه‌ای از صفویه و سنت دیرین تاریخ مظلومیت زن مسلمان دارد. اما نتیجه این جنبش نیز ارمغانی جز بردگی نوین زن نداشت.

گروه دوم: دسته‌ای از روشنفکران مسلمان هستند که آشنایی آنان با فرهنگ مدرن، آنان را با یک چالش اساسی درباره رابطه میان تجدد و سنت مواجه ساخته است. این گروه اصلاحات در دین را با ترازوی فرهنگ مدرن ضروری میدانند. (زیبایی نژاد، ۱۳۹۰: ۲۷). در این رابطه نیز توسعه روابط دولت‌ها با کشورهای غربی و مدرنیته شدن آنان و عدم فرهنگ سازی در این خصوص اهمیت به سزایی دارد که ریشه در دوران صفویه و توسعه آن در حکومت‌های واپسین آن است.

۲- مبانی و اصول جنبش زنان:

جنبش زنان ایرانی که با گسترش روابط حاکمان شکل گرفت و بعدها بر پایه اومانیسم تفسیر و تکثیر شد. یکی از پیامدهای قهری اومانیسم، گرایش به پاکسازی جامعه و فضای زندگی از قیود و ارزش‌های دینی است. با تجربه‌ای که اروپاییان از جامعه مسیحی داشتند تنها دریچه گشوده بر امیال و آرزوهای خویش را جداانگاری حوزه‌ی عمومی زندگی از حوزه‌ی ارزش‌های دینی و الهی میدیدند. اومانیسم به غرب آموخت که راه‌هایی و کامیابی انسان خود «انسان» است. (زیبایی نژاد، سبجانی؛ ۱۳۹۰: ۲۰-۲۳)

اومانیست را واژه پردازان به حالت و کیفیتی از تفکر تعریف کرده‌اند که براساس منافع بشر بنیان نهاده شده باشد. اومانیسم به جای اصول مذهب و تفکر خداپرستانه

(آتئیسم، خدامحوری)، میکوشد روی منافع و ارزش‌های مادی تمرکز یابد و توانایی‌ها، آرزوها و پیروزی‌های او را در زندگی دنیویش باز یابد. (موسوی، ۱۳۸۰: ۱۶۰)

۳- مراحل جنبش زنان:

جنبش زنان در سه موج شکل گرفت در ابتدا فقط خواهان حق رای و مالکیت بودند اما کم کم با ظهور جنبش زنان پست مدرن اعتقادات آنها دستخوش تغییر شد و انحراف عقیده‌ای در مبانی جنبش زنان شکل گرفت. « معمولاً موج اول جنبش زنان را که از اواسط قرن ۱۹ آغاز میشود و تا دهه ۱۹۳۰ ادامه داشت از موج دوم که در دهه ۱۹۷۰ آغاز شد، تفکیک میکنند. تنظیم این دوره زمانی برای آن است که کاملاً مشخص شود در مقطع زمانی بین این دو موج، مبارزات سیاسی در جنبش زنان وجود نداشته است.» (یزدانی، جندقی، ۱۳۸۸: ۹۲)

کتاب اصلی پیرامون جنبش زنان در موج دوم «جنس دوم» اثر سیمون دوبوار بوده است، انتقاد اصلی دوبوار در این کتاب نگاه تملک جویانه به زن است و بیان میدارد که خودآگاهی زن به جنسیتش از طریق مردان شکل میگیرد و این عامل اصلی تملک زنان در طول تاریخ بوده است. به زعم او مرد با حکم فرمایی بر زن و به بردگی کشاندن او، به خود، کمال می بخشد (دوبوار، ۱۳۸۰: ۱۲۲ و ۲۳۷-۲۳۸)

این عقاید باعث ایجاد تئوری شیء بینی در ادبیات تئوری پردازی جهان شد، این تئوری مستقیماً، فرایندی را که دختران با آن پیام‌های جنسی فرهنگ را درونی میکنند، شرح میدهد. این تئوری به طور خاص بر تاثیر شیء بینی جنسی بدن زنان در محیط اجتماعی- فرهنگی که دختران در آن هستند و رشد میکنند، تمرکز دارد. طبق این

تئوری، دختران دیدگاه شیء بینی شده را در الگوی ذهنی خود، درونی و باز تولید میکنند. این اثری است که به آن «خود شیء سازی» گفته میشود. (لوی، کسر، ۱۳۸۸: ۸۳-۹۱)

در راستای تئوری شیء بینی به ارائه مثالی میپردازیم و دلایل مد شدن ساپورت را در سالهای اخیر بررسی میکنیم. در پی ورود انواع ساپورتها و جوراب شلواریها در ایران به بررسی قدمت این مسئله پرداختیم که چه چیزی میتواند سبب این امر باشد؟ یا چرا ساپورت؟ به مطلب مهمی در کتاب برهنگی فرهنگی سال ۱۳۷۶ رسیدیم که تا حدودی مبین این موضوع بود:

« مردهای جاهای مختلف دنیا با هم فرق دارند؛ عواملی که روی مردهای جاهای مختلف اثر میگذارد متفاوت است مثلا چیزی که در مرد آمریکایی اثر میگذارد «پاها» هستند، و فقط برینگتون است که پا را میشناسد، که سکسی ترین جوراب شلواری جهان را تولید میکند.» و این چنین بود که روانشناسی در خدمت سکس قرار گرفت. مردهای آمریکایی با «پا» جذب میشوند، ژاپنی ها با «گردن» و... و بدین شکل سکس در خدمت سرمایه قرار میگیرد. (عادل، ۱۳۷۶؛ ۶۰-۶۱) یعنی ساپورت وارد ایران شد چون مردهای آمریکایی پا را میپسندیدند و زن نیز کالایی است برای رفع نیاز او و باید به گونه‌ای آراسته شود که او خوشش بیاید و لذت ببرد با تکثیر و تایید این حرکت و مد در ایران و جهان سرنوشتی به نام آزادی و تساوی حقوق بر زن تحمیل میشود.

موج سوم یا جنبش های زنان پسا مدرن:

پست مدرنیسم با طرح سوالات اساسی در باب زنان، سبب آشفتگی در جنبش زنان شده است، سوال اصلی پست مدرن ها این است که وقتی هویت هر زنی تحت تاثیر عواملی نظیر سن، قومیت، نژاد، فرهنگ، جنسیت و تجربه شکل میگیرد، چطور میتوان تعریف واحدی از وی ارائه داد؟ (خسرو پناه، ۱۳۹۰: ۲۵۲-۲۵۳)

جنبش زنان با ادعای خواهری تمام زنان جهان شکل گرفت اما در عمل روی دیگری از خود نشان داد. «زنان سیاه پوست در تکامل اولیه جنبش زنان در امریکا نقشی بازی کردند، اگرچه اغلب آن ها ناچار بودند با دشمنی از جانب خواهران سفید پوستشان جدال کنند... زنان سیاه پوست دیگری که کوشیدند در کنار مدافعان سفید پوست حقوق زنان در مبارزه شرکت کنند با تعصباتی رو به رو گردیدند که آنها را دلزده کرد.» (گیدنز، ۱۳۹۳: ۲۱۶)

۴- بازخوانی حقوق زن در اسلام در مقابل جنبش غلط زنان:

از آنجا که خانواده می تواند منشاء تفاوت های بسیاری میان افراد جامعه باشد، گروهی که این تفاوت ها را نامطلوب تلقی می کنند، می کوشند با ریشه کن کردن خانواده، این تفاوت ها را از بین ببرند. آن ها می گویند که می خواهند جامعه را با «ابزارهای سیاست گذاری، «عقلانی» کنند».

اگر بگوییم خانواده موتور مولد همه ارزش های حیاتی جامعه آزاد است، مبالغه نکرده ایم؛ بنابراین، برای حاکم کردن هر نظم اجتماعی دیگری مانند نظام اشتراکی، ابتدا باید خانواده در هم شکسته شود؛ از این رو، هر کس می خواهد زندگی ارزشمند را در جامعه آزاد برای فرزندان و نوادگانش حفظ کند، باید نخست این روند را بشناسد؛ سپس

با سلاح اخلاق در برابر تمام کسانی که در صدد نابودی زندگی خانوادگی هستند، بایستد. (گاردنر، ۱۳۸۶، ۲۲-۲۳)

سیمون دوبوار می گوید: به هیچ زنی نباید اجازه داد تا در خانه بماند و به پرورش کودکانش پردازد، جامعه باید به کلی تغییر کند و به زنان اجازه ندهد که فقط وظیفه پرورش فرزندان را بر عهده گیرند؛ یعنی اگر به هر زنی حق انتخاب در خانه ماندن و پرورش کودکان خود و یا شاغل بودن در بیرون را بدهند، اغلب زنان ترجیح می‌دهند تا در خانه بمانند. (بورک، ۱۳۷۸؛ ۴۶۱)

متفکر جنبش زنان افراطی، «شولمیت فایرستون» در کتاب دیالکتیک جنس‌ها می‌گوید: ستم‌دیدگی زن در قابلیت بچه‌زایی او؛ یعنی در وضعیت زیستی اساساً ظالمانه او ریشه دارد، اما تکنولوژی توالد تناسل، ممکن است زن را قادر سازد که خود را از وضعیت زیستی آزاد سازد. بنابراین، اگر زنان بتوانند بر تکنولوژی تولید نسل تسلط یابند، برای اولین بار خواهند توانست بر ستم‌دیدگی خود فایق آیند (مندوس، ۱۳۸۲، ۳۲۶)

او در این کتاب رهایی زنان از تسلط و ستم مردان را در دگرگونی در شیوه زاد و ولد و مادری جستجو می‌کند، انقلاب جنسی که به معنای پایان ایدئولوژی مادر شدن می‌باشد، پرورش کودکان به طور دسته جمعی به جای «خانواده خصوصی» است. و در نهایت اظهار می‌دارد که «مادری» باید از فرهنگ بشری حذف شود و جای آنرا «جنبش زنان اجتماعی» بگیرد. تکنولوژی شیر دادن با شیشه و مهد کودک‌ها، نیاز به مادری کردن طبیعی را پایان می‌دهد و این روند را جنبش زنان انقلابی می‌نامد. (متولیان، ۱۳۸۸؛ ۱۵۰)

هایمن وینزن در این ارتباط میگوید: چنانچه قرار باشد برای زنان اهمیتی قایل شد، اهمیتشان در این نخواهد بود که فقط آنان میتوانند کودک به دنیا بیاورند. قدر مسلم این است که در آینده ما حرمت مادری را از بین میبریم، نه تنها حرمت مادری، بلکه مفهوم پدر و مادری نیز مورد تجدید نظر اساسی قرار خواهد گرفت. (تافلر، ۱۳۷۹؛ ۲۴۱)

موضوع مهد کودک ها نیز از دیگر حربه های رادیکالها در نبرد ضد خانواده است. آنها مهد کودک را برای افراد نیازمند به آن نمیخواهند، بلکه حقی همگانی برای زنان میدانند تا اولویتهای اجتماعی را دوباره سازماندهی کنند و زنان را از قید مسئولیت مادری آزاد سازند. به عقیده آنان هنگامی که مهد کودک رایگان در اختیار همه قرار گرفت، دیگر به وجود خانواده طبیعی نیازی احساس نمیشود، زنان با مردان رقابت برابر خواهند داشت، مردسالاری متوقف خواهد شد و همگان در وضعیت برابر قرار خواهند گرفت. (گاردنر، ۱۳۸۶؛ ۱۰۹)

ولی دیدگاه اسلام به این امور کاملاً متفاوت است با آنچه آنان در مورد تربیت یک انسان عنوان میکنند، نصوص دینی بیان میکند که زن یکسری مسئولیت دارد که خاص اوست و مرد از آن محروم است و آن هم پرورش یک انسان در جهت حیات است. (موسوی، ۱۳۸۰: ۱۴۹-۱۵۱) و به راستی آیا پرورش یک انسان موهبتب کمی است؟ آیا اگر این مسئولیت به مردان داده شده بود صدای اعتراض ما بلند نمیشد؟

یکی از دلایل شکست کامل جنبش زنان برای ارائه یک برنامه معنا دار در زمینه زندگی خانوادگی و بزرگ کردن فرزندان این بود که جنبش زنان باعث شد بسیاری از

مشکلاتی را که خود وعده حل کردنشان را داده بودند وخیم تر شود. مثلا انتقادی که به پدران به دلیل توجه زیاد به کار داشتند. (گلیندر و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۰-۴۱)

۵- زمینه پیدایش جنبش زنان در ایران

ارتباط ایران با اروپا و آشنایی با تمدن جدید غرب از دوره ی صفویه به بعد، مفهوم تجدد را وارد حوزه فکری جامعه ایرانی کرد که به نوعی باعث گسستگی در وحدت و هویت فرهنگی ایرانیان شد. (نجفی، ۱۳۹۱: ۱۷۰)

پدیده فمینیسم که معادل فارسی آن جنبش زنان است، بعد از مدرنیته در غرب شکل گرفت و در طول زمان به سایر ممالک انتقال پیدا کرد، بعد از ورود به ایران این سوال پیش آمد که آیا امکان این وجود دارد که این جنبش با اصول اسلامی ترکیب شود؟ برخی از جنبش اسلامی زنان نام بردند و اصولی را در این راستا اعلام کردند. اما بر اساس گزارش جناب کوتیانی در مجله معرفت، به عقیده برخی از صاحب نظران عرصه مطالعات زنان، اندیشه جنبش زنان ایرانی اسلامی، ترکیبی متناقض است؛ زیرا جنبش مذکور، پدیده‌ای مدرن با شرایط و مختصات خاص است که در هیچ جای دیگر امکان وقوع ندارد. مثل خود مدرنیسم که پدیده‌ای منحصر به فرد است. اما این را میپذیرند که جوامع دیگر اگرچه نمیتوانند مدرن یا فمینیسم شوند اما میتوانند به آن آلوده گردند و در حاشیه و سایه آن حرکت کنند. (چراغی کوتیانی، ۱۳۹۳: ۳۳)

« جنبش زنان در معنای تئوریک و دقیق خودش فقط به فضای تجربی تمدن غرب ربط دارد و در آنجا معنا می‌یابد و قابل درک است، لیکن مسائل مشابهی وجود دارد که بستری میشود برای پیدا شدن زمینه‌ی اشتراک در جاهای دیگر و بعد تحریک

به گرایش به این جنبش. جریان‌های داخلی جنبش زنان کشور ما کاملاً از جریان‌های غرب تاثیر میگیرند و تداوم و ادامه آنها هستند.» (کچوییان، ۱۳۸۷: ۳۰)

برخی آغاز جنبش‌های زنان را به دوره مشروطه می‌رسانند، آن هم به دلیل حضور زنان در عرصه‌های فعالیت اجتماعی نظیر تحریم توتون و تنباکو بود اما آنچه شایان ذکر میباشد و واضح مینماید این است که جنبش زنان تنها نتیجه این حضور اجتماعی نبوده بلکه نفوذ جریان منور الفکری در میان رجال دربار و غرب زدگی بیمارگونه‌ای که برای مردان سیاست دوره قاجار به عنوان افتخار در آمده بود، در شعله‌ور شدن جریان دفاع از حقوق زنان اثر گذار بود، غرب زدگانی نظیر میرزا ملکوم خان و آخوندزاده که تنها راه نجات ایران را مانند غرب شدن میدانستند و خواهان آزادی زنان از قید و بندهای شرعی و ملی بودند. این حرکات، همزمان با اوج‌گیری جریانات جنبش زنان در غرب بود و زمینه برای جنبش زنان ایرانی و مسلمان فراهم شد. (معصومی، ۱۳۸۴: ۶۵)

برخی از رهبران جنبش زنان در این دوران عبارت اند از: صدیقه دولت آبادی با نشریه «زبان زنان، ۱۲۸۹» در اصفهان، فخرآفاق پارسا با نشریه «جهان زنان ، ۱۳۰۰» در مشهد، محترم اسکندری رهبر نسوان وطن خواه، زندخت شیرازی با نشریه «دختران ایران ۱۳۱۰» (ساناساریان، ۱۳۸۴: ۵۸-۶۵)

این جریانات جنبش زنان ایرانی را شکل دادند که نوعی دیگر از جنبش بود که با طرز فکر اسلامی شکل گرفت.

همزمان با تحولات غرب، به تدریج نظریات جنبش زنان در جوامع اسلامی ظهور و بروز یافت و در این کشورها تحولات مرتبط با زنان، از جنبش‌های زنان در غرب تأثیر

پذیرفت، این در حالی بود که برخی از روشنفکران دینی و غیر دینی به بهانه‌ی حل نشدن مسائل زنان در کشورهای اسلامی برای بومی سازی مسئله‌ی جنبش زنان با توجه به اعتقادات دینی و گرایش‌های مذهبی تلاش کردند. (توحیدی، ۱۳۸۴: ۱۰)

آنها بر این باور بودند که اقتباس از فرهنگ‌های دیگر برای ارتقای سطح جامعه امری مشروع است. (یازبک حد، ۱۳۸۷: ۵۵) این در حالی است که از سالیان گذشته در اسلام زن مالک ثروت خود بوده اما در اروپا تا سال ۱۹۹۷ تقریباً زن حق مالکیت ثروت خود را نداشته است و باید آن را به پدر، برادر و یا همسر خود واگذار میکرد. (خامنه‌ای، ۱۳۸۵: ۸۰) نه تنها در این مسئله بلکه در بسیاری از مسائل اسلام در احقاق حقوق زن از غرب جلوتر بوده است اسلام برای زن عرصه حضور تعیین میکند، در اسلام قلمروی حضور زن سه جا است: ۱- قلمروی تکامل انسانی همانند مرد. ۲- حضور اجتماعی زن، فعالیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظایر آن ۳- نقش زن در خانواده (همان، ۶۱)

جریان جنبش زنان اجرای عدالت را در مورد جنس زن خواهان است لذا ما در معنای عدالت از دو جهت با غرب اختلاف ریشه ای داریم:

۱) اختلاف با لیبرالیسم و آزادی فردی از یک سو و سوسیالیسم در افراط نسبت به جمع‌گرایی و تضعیف ابتکارات فردی از سوی دیگر، هر دو را پرتگاه انسان به حساب می‌آوریم و محکوم و مردود می‌کنیم.

۲) از این نظر که همه این مکاتب در عمل دیدگاه پراگماتیسم دارند و عمل‌گرایی را با منفعت طلبی اومانیسم توأم کردند. «اومانیست را واژه پردازان به حالت و کیفیتی از تفکر تعریف کرده اند که بر اساس منافع بشر بنیان نهاده شده باشد، اومانیسم

به جای اصول مذهب و تفکر خداپرستانه میکوشد بر منافع و ارزش‌های مادی بشری تمرکز یابد و توانایی‌ها، آرزوها و پیروزی‌های او را در زندگی دنیویش باز یابد.»
(موسوی، ۱۳۸۰: ۲۲۱-۱۶۰)

در اواخر دهه‌ی 1980 ، علائم روشنی از ظهور آگاهی جدیدی بروز کرد؛ یک شیوه‌ی جدید تفکر و یک گفتمان جنسیتی که مطالباتش جنبش زنان بر اساس فرهنگ غرب و در عین حال زبان و منبع مشروعیتش اسلامی بود. هر چند اکثر اسلام‌گراها آن را با ایدئولوژی‌های اسلامی مغایر می‌دانند و در واقع آن را مفهومی متضاد می‌پندارند. (میرحسینی، ۱۳۸۵: ۴۵)

برخی دیگر گمان می‌کنند: همسانی اسلام و جنبش زنان در پاره از حقوق زن به معنای جنبش زنان اسلامی است، غافل از اینکه این دو مکتب به جهت مبانی متفاوت و متضاد، حتی در قوانین به ظاهر متشابه نمیتوانند حقیقت یکسانی داشته باشند.
(خسروپناه، ۱۳۹۰: ۲۶۲)

به غیر از دیدگاه عنوان شده که موجب تشکیل جنبش زنان اسلامی شد دو دیدگاه دیگر نیز پیرامون حقوق زن در اسلام وجود داشت: «بعضی به کلی منکر وجود نظام حقوقی زن در اسلام شدند و اسلام را تحت تأثیر فرهنگ زمانه، تنها در بر دارنده‌ی برخی گزاره‌های حقوقی تبعیض آمیز در مورد زنان قلمداد کردند. دسته‌ی دیگر ضمن اذعان به وجود نظام حقوق زن در اسلام، با عصری کردن و منحصر کردن این نظام حقوقی به وضعیت خاص زنان در جزیره العرب، در زمان حاضر این نظام حقوقی را کارآمد نمی‌دانند.» (کدیور، ۱۳۸۲: ۴۲)

۶- کنوانسیون حقوق زن:

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۵ دسامبر ۱۹۶۳، از کمیسیون مقام زن و شورای اقتصادی- اجتماعی خواست که کار بر روی پیش نویس اعلامیه‌ای درباره رفع تبعیض علیه زنان را آغاز کند. این اعلامیه نوشته شد و در ۷ نوامبر ۱۹۶۷ به اتفاق آرا به تصویب مجمع عمومی رسید. در هشت شهریور ماه ۱۳۷۵ وزیر خارجه وقت طی نامه‌ای به رئیس دولت که با عنوان «پیشنهاد لایحه الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» به دفتر هیئت دولت واصل شده بود. بالاخره در ۲۸ آذر ماه ۱۳۸۰ ایران به این کنوانسیون ملحق شد. (توحیدی، ۱۳۸۲، ۹-۸۷)

این کنوانسیون سه ویژگی دارد که الحاق به این معاهده را به موضوعی نگران کنند تبدیل میکند:

(۱) تمامی حوزه های حقوقی، آموزشی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، خانوادگی و حتی نهادهای خصوصی و موسسات غیر دولتی را نیز در برمیگیرد.

(۲) با توجه به حساسیت نقش های اجتماعی و خانوادگی، زن میتواند محور تحولات و تطورات بنیادین اجتماعی قرار گیرد.

(۳) آخرین ویژگی این است که در جهان کنونی افراد مقاصد خود را در قالب‌های زیبا مخفی میکنند، چنانچه جریانهای مسلط جهانی در اعلامیه حقوق زنان و حقوق بشر

نیز چنین عمل کرده‌اند و از قضا در ایران کارشناسی‌ها بعد از اتخاذ تصمیم انجام شده است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲، مقدمه)

۷- حدود حضور زن در اجتماع بر اساس اسلام:

یک زن برای اینکه به زن بودن خود پی ببرد قبل از هر چیزی باید خود را بشناسد، استعدادش را، هنرش را، دلیل بودنش را، اهمیتش را در خلقت و اهمیتش را در ادامه حیات بشر. از منظر مصباح یزدی «منظور ما از خودشناسی مرتبه‌ای از علم حضوری که هرکس به خود دارد، نیست؛ بلکه شناخت انسان از آن جهت است که دارای استعدادها و نیروهایی برای تکامل انسانی است.» (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ۱۹) در قرآن آیات زیادی در مورد اهمیت شناخت خود مطرح شده است من جمله آیه ۵۳ سوره فصلت، آیه ۲۱ سوره ذاریات، آیه ۱۹ سوره حشر، آیه ۱۰۵ سوره مائده.

در ارتباط با حجاب و کارکردهای آن تعبیرهای مختلفی وجود دارد ولی آنچه حائز اهمیت است صدق این نکته می‌باشد که حجاب در یک تعبیر مانع منکرات است. حجاب مانع فعالیت‌هایی مانند التذاذهای نامشروع و اختلاط زن و مرد است. مانع استفاده رایگان از زن در معابر، دکانها، شرکتها، بوفه‌ها، کاباره‌ها و رقص‌خانه‌ها است. (فتحی، ۱۳۸۱؛ ۱۰۴) در ضمن حجاب تنها برای خانم‌ها نیست بلکه در آیات متعددی به حجاب مردان اشاره دارد من جمله آیه ۳۰ در سوره نور و آیه ۸۳ سوره بقره.

اسلام می‌خواهد که رشد فکری، علمی، اجتماعی، سیاسی و بالاتر از همه فضیلت و معنویت زنان به حد اعلا برسد یعنی وجودشان برای جامعه و خانواده بشری حد اعلا یافته و ثمر را داشته باشد. همه تعالیم اسلام از جمله مسئله‌ی حجاب بر این اساس

است (خامنه ای، ۱۳۸۵، ۲۳) جنسیت زن و مرد، کوچکترین تاثیری ندارد؛ در جوهر انسانیت آنها تفاوت و اختلافی وجود دارد اما در حقوق اساسی آنها هیچگونه اختلاف و تفاوتی هست. (همان، ۱۵۴)

کیفیت تربیت و نحوه محیط پرورش زنان اگر در پرتو تعلیم صحیح و تربیت وزین پرورش یابد، چون مردان می‌اندیشند و چون رجال تعقل و تدبر دارند. تمایزی از این جهت با مردان ندارند. (جوادی آملی، ۱۳۷۸؛ ۳۶) زنان میتوانند علیه ستم مبارزه کنند. هیچ بخشی از قوای روحی وجود ندارد که در آن صرفاً مردان پیشتاز بوده و زنان سهمی نداشته باشند، لکن اولاً باید خود زن موقعیت خویش را درک کند و ثانیاً دیگران به این موقعیت حرمت بنهند و ثالثاً امکانات را فراهم بکنند، آنگاه ارزیابی شود که در میدان آزمون چه اندازه زن میتواند موفق باشد و چه اندازه مرد میتواند پیشرفت کند. (همان، ۱۵۱)

مقامی که اسلام برای زن به موازات مرد در تمام مشترکات طبیعی و توانایی‌ها مقرر داشته است این امکان را به زن میدهد تا در حدود احترام به تکالیف شرعی از حیث پوشش، شکل رابطه با مرد نامحرم و مسئولیتهای زناشویی و خانوادگی در فعالیت سیاسی وارد شود. بدون شک زن مسلمان همگام با مرد مسلمان به مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر و اهتمام به امور مسلمانان را در جامعه اسلامی برعهده دارد. (شمس الدین، ۴۴ به نقل از قیوم زاده ۱۳۸۷ : ۸۴)

« موضوع خطبه خواندن حضرت زهرا در مسجد مدینه و خطبه خواندن حضرت زینب در بیرون از دروازه کوفه و در مجلس یزید است که این روزها خیلی روی اینها

تکیه میکنند و اگر جایز نبود که زن در این گونه مسائل دخالت کند، چرا حضرت زهرا(س) مداخله کرد و به مسجد آمد و راجع به حق شخصی خودش که فدک بود بحث کرد؟ همینطور چه ضرورتی داشت زینب (س) در دروازه کوفه برای مردم صحبت کند و برای زن چه ضرورتی داشت؟ چرا حضرت صحبت کرد؟ پس همه اینها میرساند که از نظر اسلام دخالت زن در سیاست ممنوع نیست» (همان)

اسلام از دوران دور که برای زن حق و ارزشی قائل نبودند برای او حق مالکیت و ارث در نظر گرفته است و این نیز به گونه‌ای نبوده است که در تمام موارد حق او نصف مرد باشد بلکه با توجه به موقعیت اقتصادی زن میزان بهره‌مندی او از ارث متفاوت بوده است. (آیات ۱۱، ۱۲ و ۷۶ سوره نساء)

در زمینه حقوق اجتماعی زن خداوند متعال در قرآن کریم آیه ۱۹ سوره نساء میفرماید که با زن ها به گونه‌ای پسندیده رفتار کنید و اگر از آنها نفرت دارید باز با آنها به صورتی پسندیده رفتار کنید چه بسا چیزی خوشایند شما نیست و خدا در آن خیر فراوانی قرار میدهد. آیت الله آملی این آیه را اینگونه بیان میکنند «با زنها معاشرت کنید و زن ها را چون مردان در مجامعتان راه دهید و اگر خوشایندتان نیست که آنها در مجامعتان باشند، این کار ناخوشایند را انجام دهید چرا که ممکن است خیر فراوانی در آن باشد و شما ندانید؛ قرآن میفرماید با صنف زن طوری رفتار کنید که عقل و شرع آن را به رسمیت می‌شناسد. این قشر عظیم را منزوی نکرده و با آنها بد رفتاری نکنید.» (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۳۹۴-۳۹۶)

بیعت با زنان در زمان پیامبر و حق رای برای آنها:

قبل از استقرار حکومت اسلامی در یثرب (مدینه) مردم آن سرزمین دوبار به نمایندگی از طرف خودشان گروهی را اعزام و با پیامبر گرامی اسلام بیعت نمودند در میان هر دو گروه اعزامی زنان مساوی با مردان نقش ایفا میکردند تا جایکه بیعت اول (پیمان عقبه اول) را بیعت نساء هم میگویند. برخی از مورخان بر این باورند که حضور زنان در امری به این مهمی، آن هم در زمانه ای که زن را از اولین حقوق فردی و اجتماعی خود محروم میکردند، بسیار شکفت آور مینمود که این بیعت، بیعت النساء نامیده شد. (قیوم زاده، ۱۳۸۷: ۸۵)

بیعت دیگری که در زمان پیامبر انجام شد در جریان فتح مکه بود در این بیعت تفاوتی بین زنان و مردان نبود در این بیعت حضور زنان بسیار گسترده بود و آیه ای نیز در همین ارتباط نازل شد. آیه ۱۲ سوره ممتحنه نحوه بیعت بدین صورت بود فرمودند: تا ظرفی پر از آب بیاورند و ایشان دست مبارک خود را در آب ظرف فرو بردند و بدین گونه بیعت واقع شد. (کلینی، ۱۳۴۸: ۵۲۶ و مجلسی، ج ۱۱۷، ۶۳)

اگر اسلام به حضور اجتماعی زن اهمیت نمیداد چه دلیلی داشت تا آیه نازل شود؟ چه دلیلی داشت تا تدابیری برای بیعت کردن سنجیده شود؟ آن هم در زمانی که زن از کوچکترین حقی برخوردار نبود.

در اسلام توفیق زن در مواردی حتی بیش از مرد است و ما نباید تنزل کنیم و او را همانند مرد بدانیم زیرا در دین اسلام تقریباً ۶ سال پیش از اینکه مرد مکلف شود، زن را ذات اقدس الله به حضور پذیرفته است و با او سخن میگوید و به مناجات او به حکم شرعی گوش فرامیدهد، ۶ سال زمینه سازی کردن و از دوران نوجوانی او را به حضور

پذیرفتن و نماز را که عمود دین است بر او واجب کردن و روزه را که سپر دین است و حج را بر زن واجب کردن؛ اینها همه نشانه آن است که زن برای دریافت فضائل شایسته‌تر و بالاتر از مرد است. (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۳۵۹)

۸- نتیجه گیری:

گرچه ارتباط ایران با اروپا و آشنایی با تمدن جدید غرب از دوره ی صفویه به بعد، مفهوم تجدد را وارد حوزه فکری جامعه ایرانی کرد. اما باعث گسستگی در وحدت و هویت فرهنگی ایرانیان شد. جنبش زنان بعد از مدرنیته که در غرب شکل گرفت و در طول زمان به سایر ممالک انتقال پیدا کرد، بعد از ورود به ایران با تلاش معدودی از فعالان فرهنگی راهی متناقض را آغاز کرد و جنبش زنان مسلمان با الگوی غربی این نهضت معرفی شد.

غافل از اینکه تفاوت زن و مرد از نظر جسمانی و احساسی است و آنچه عدالت را در مورد جنس لطیف زن تامین میکند برابری با مرد در کارهای سنگین، پوشش، مسئولیت زندگی و فراموشی زنانگی نیست بلکه توجه به ظرافت او، احساسات او، دانش و فهم او است. عدالت این است که احساسات زن به رسمیت شناخته شود. باید محیطی ایجاد شود تا زن زنانگی کند؛ از عقل و هوشش بهره ببرد، امنیت او چه از لحاظ جنسی و چه از لحاظ جسمی تامین گردد. باید این امر مورد تایید قرار گیرد که زن تن نیست، زن هم ارزش دارد زن هم انسان است و از لحاظ جوهره وجودی کوچکترین تفاوتی با مرد ندارد.

اکنون در برهه ای از زمان قرار داریم که بعد از سالها ستم تاریخی که به جنس زن روا داشته شده چه توسط مردان و چه خود زنان به نام جنبش زنان، زمان آن رسیده تا حق این جنس، به او باز گردد، زمانش شده باور کنیم زن، زن است و باید او را با ویژگیهای زنانه اش قبول کنیم و بشناسیم. اکنون زمان احقاق حق زن است، حقی که شاید قرن ها پیش اسلام آن را متذکر و یادآور شده است، حقی که بنا به فهم نادرست پایمال شده است. و در پایان « ما از دنیای غرب که زن را در طول دوره های گذشته تا امروز این قدر مورد تحقیر قرار دادند، طلبکاریم.»

۹- منابع:

- (۱۳۸۲). کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (مجموعه مقالات و گفتگوها). تهران، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان چاپ صدف
- (۱۳۸۵). زن ریحانه آفرینش (مجموعه سخنرانی مقام معظم رهبری) دفتر نشر آثار، قم دارالهدی.
- تافلر، الوین (۱۳۷۹) . شوک آینده. مترجم حشمت الله کاشانی. نشر علم، تهران
- تانگ، روزمیری (۱۳۹۳). درآمدی جامع بر نظریه های جنبش زنان. ترجمه مرضیه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- توحیدی، نیره (1997) . جنبش زنان، دموکراسی و اسلامگرایی، لوس آنجلس، کتابسرا

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). زن در آینه جلال و جمال. چ ۵، انتشارات دارالهدی: نشر اسراء.

چراغی کوتیانی، اسماعیل (۱۳۹۳). رویارویی ایرانیان با فمینیسم، از جنبش زنان ایرانی تا جنبش زنان اسلامی. نشریه معرفت، سال ۲۳۳، ش ۱۹۹، ص ۳۱-۴۸

خسرو پناه، عبدالحسین (۱۳۹۰). جریان شناسی ضد فرهنگها. تهران: نشر معارف.

دوبوار، سیمون (۱۳۸۰). جنس دوم، ترجمه قاسم صنعوی، تهران انتشارات تونس.

رابرتای چورک، در سراشویی به سوی گومورا، لیبرالیسم در نوافول آمریکا، ترجمه الهه هاشمی حائری، انتشارات حکمت، تهران، ۱۳۷۸

زیبایی نژاد، محد رضا، سبحانی، محمد تقی (۱۳۹۰). در آمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام (بررسی مقایسه ای دیدگاه اسلام و غرب). چ ۱۵، مرکز نشر مهاجر.

ساناساریان، الیز (۱۳۸۴). جنبش اجتماعی زنان در ایران طغیان، افول و سرکوب ۱۲۸۰ تا ۱۳۵۷. ترجمه نوشین احمدی خراسانی، تهران نشر اختران

عادل، حداد (۱۳۷۶). فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی. انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (سروش).

فتحی، عباس (۱۳۸۱). نگاهی به آیات حجاب از دیدگاه روانشناسی زن و مرد، چاپ اول نشر نسل سوم.

قیوم زاده، محمود (۱۳۸۷). حقوق اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان از دیدگاه اسلام. فصلنامه علمی - پژوهشی، علوم انسانی، سال سوم، شماره ۱۲.

کچوییان، حسین (۱۳۸۷). جنبش زنان و نظریه پردازانش. حورا ش ۲۷ ص ۲۸-۲۸

۳۳

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۴۸). اصول کافی. ج ۵، تهران، نشر فرهنگ اهل

بیت.

گاردنر، ویلیام (۱۳۸۶). جنگ علیه خانواده. مترجم معصومه محمدی. مرکز

تحقیقات زن و خانواده

گاندی، مهتما (۱۳۷۷). همدلی با اسلام، همراهی با مسلمین. مترجم علی

ابوالحسنی، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد.

گیدنز، آنتونی (۱۳۹۳). جامعه شناسی. ترجمه منوچهر صبوری، چ ۲۹، تهران: نشر

نی.

گیلدر، جرج. زینس میستر، کارل. آرمنتو، جین. درسیکین، وندی. بی ریتزلی،

دونالد. اهانتز، برند. اس مور، ریموند. هترمن، باربارا. اشفلی، فیلیس. شوارتز، مایکل.

کارسون، آلن (۱۳۹۰). چه کسی گهواره را تکان خواهد داد. ترجمه سمانه مدنی و آزاده

وجدانی. چ ۲، نشر معارف.

لوی، آریل. کسر، تیم (۱۳۸۸). تاثیر جنبش زنان بر دختران غرب. ترجمه: فاطمه

سادات رضوی، راحله میر اسلامی، پریسا پور علمداری. چ ۲. نشر معارف.

متولیان، کبری (۱۳۸۸). ثبات یا تزلزل خانواده در اندیشه جنبش زنان، طهورا،

سال دوم شماره ۴

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار فیدر رالخبار الائمه الاطهار، بیروت،
دار احیاء التراث العربی.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱). از جنبش تا نظریه اجتماعی (تاریخ دو قرن جنبش
زنان، تهران انتشارات شیرزاده

مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۱). به سوی خودسازی. چ ۲، انتشارات موسسه
آموزش و پژوهش امام خمینی.

معصومی، سید مسعود (۱۳۸۴). جنبش زنان در یک نگاه. قم، انتشارات موسسه
آموزی و پژوهشی امام خمینی

مندوسوزان، فلسفه سیاسی جنبش زنان جنبش زنان و دانشهای جنبش زنان،
ترجمه عباس یزدانی، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، قم، ۱۳۸۲

موسوی، سید جمال الدین (۱۳۸۰). عدالت اجتماعی در اسلام. چ اول، موسسه
فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

میرحسینی، زیبا (۱۳۸۵). «آواهای تازه جنبش زنان در جهان اسلام» مجله زنان،
سال ۱۵، شماره ۱۳۲

نجفی، موسی (۱۳۹۱). بصیرت تاریخی، اصول شناخت تاریخ تحولات معاصر،
اصفهان نشر آرما

یازبک حد، یون (۱۳۷۸). «زنان مسلمان عرب سرگردانی میان سنت و
مدرنیته». ترجمه رزا افتخاری، مجله زنان شماره ۵۶

یزدانی، عباس و بهروز جندقی (۱۳۸۸). مجموعه مقالات دایره المعارف روتیلج،

تهران، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان